

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لعنة الله علي اعدائهم اجمعين من الان الي قيام يوم الدين

یادآوری 1؛ بررسی مقام اول (جریان اصول عملیه، قاعده تجاوز و اصاله الصحة) از احتمال اول یا فتوای سید (ره) در ضمن چهار مطلب

بحث به اینجا رسید که در این مسئله اگر کسی در اثناء نماز یقین دارد برای او شک بین دو و سه حاصل شده، اما نمی‌داند قبل از اكمال سجده‌تین بوده یا بعد از اكمال سجده‌تین، آیا قاعده تجاوز در اینجا جریان پیدا می‌کند یا خیر؟

یادآوری 2؛ بررسی چهار اشکال بر جریان قاعده تجاوز در محل

در بحث گذشته دو اشکال در مورد جریان قاعده‌ی تجاوز را ذکر کردیم و جواب دادیم و گفتیم اگر ما قاعده‌ی تجاوز را از امارات بدانیم و امارات لوازم غیر شرعی‌اش را هم معتبر بدانیم، طبق قاعده تجاوز باید بگوئیم آنچه که واقع شده صحیح است و این شک بین دو و سه بعد اكمال سجده‌تین است، لذا از این جهت اشکالی نیست.

اشکال سوم بر نظر قائلین به جریان قاعده تجاوز از منظر محقق زنجانی (ره)

اما عرض کردیم که مرحوم میرزا باقر زنجانی (ره) که اتفاقاً جلسه گذشته یعنی روز یکشنبه بیستم ماه مبارک رمضان سالروز ارتحالشان هم بوده که عرض کردیم ایشان مرد مدقق و محقق بوده؛ ایشان يك بیان دیگری برای عدم جریان قاعده‌ی تجاوز دارند که این بیان در همان رساله‌ی فروع علم اجمالی صفحه 82 و 83 ذکر شده.

خلاصه‌ی بیان ایشان این است که ایشان از راه مسئله‌ی شرط متأخر وارد می‌شوند، به این بیان که می‌فرمایند: قاعده‌ی تجاوز نسبت به آن اجزائی در نماز است که محلّش گذشته، الآن کسی در سجده است و نمی‌داند رکوع را انجام داد یا نه؟ نسبت به این جزء که محلّش گذشته است قاعده‌ی تجاوز جاری می‌شود، می‌گوید: «رکعت»، بنا را بگذار بر اینکه رکوع را انجام دادی و نمازت صحیح است، قاعده‌ی تجاوز نسبت به اجزائی است که محلّش گذشته، از حیث وجود و عدم نمی‌دانید آیا آوردید یا نیاوردید؟ اما اگر يك عملی مشروط به يك شرطی شود از نظر صحّت؛ و این شرط عنوان شرط متأخر را داشته باشد. دو مثال در اینجا می‌زنند و می‌فرمایند: در اینجا اگر شما در حصول این شرط یا در صحّت این شرط، شك کردید، قاعده‌ی تجاوز جریان ندارد.

«مثال اول»: اگر کسی بعد از اینکه نمازش تمام شد شك کند آیا ریای مفسد للعمل برای او حاصل شد یا نه؟ البته روی این مبنا که ما ریای بعد العمل را هم مفسد بدانیم، اگر فقیهی بگوید اگر شخصی نماز خواند، بعد از عمل، چون در حین عمل که اختلافی

نیست! و قریب به اتفاق ریا را مفسد می‌دانند اما اگر کسی نمازش تمام شد، بعد از نماز شروع کرد به ریا کردن نسبت به این نماز، برخی گفتند این ریا بعد العمل مفسد است. حالا اگر کسی نمازش تمام شد و بعد نمی‌داند این ریا بعد العمل حاصل شده یا نه؟ اینجا جایی برای قاعده‌ی تجاوز نیست و نمی‌تواند بگوید نمازش تمام شده! یعنی نمی‌داند شرط «عدم لحوق الریا بعد الصلاة»، آیا محقق شده یا نشده؟ بگوید من با قاعده تجاوز نمازم را درست می‌کنم، نه نمی‌شود.

«مثال دوم»: در صوم مستحاضه که از مثال‌های معروف در شرط متأخر است در اصول خواندید که صوم روز امروزی که مستحاضه می‌گیرد منوط به غسلی است که در شب انجام بدهد، حالا اگر يك زن مستحاضه‌ای شب شده و نمی‌داند آیا غسلش را انجام داده یا نه؟ یا غسل را می‌داند که انجام داده ولی نمی‌داند آیا صحیحاً انجام داده یا نه؟ اینجا نمی‌تواند بگوید من يك روزه‌ای امروز گرفتم، این روزه مضي و گذشته است و الآن نمی‌دانم آیا این شرط متأخر از او را انجام دادم یا نه؟ لذا قاعده‌ی تجاوز را جاری کنم!!!

به عین همین مطلب می‌آیند و در اینجا می‌گویند: در ما نحن فیه، شرط صحّت رکعتین اولتین این است که شكّ بین دو و سه در خود او حادث نشده باشد، اگر رکعت اول و رکعت دوم نماز بخواهد صحیح باشد، مشروط به این است که این شكّ بین دو و سه، قبل اكمال السجّدتین محقق نشده باشد. حالا اگر بگوئیم حالا نمی‌دانیم این شك قبل اكمال السجّدتین بوده یا نه؟ بگوئیم پس آن دو رکعتی که خواندیم به قاعده تجاوز صحیح است. بلکه قاعده تجاوز نسبت به اجزایی است که مضي محلّها، - محلّش گذشته - البته ما روی نظر مشهور می‌گوییم: در آن جزء - من حیث الوجود و العدم - شك داریم، عرض کردیم سجده می‌رویم نمی‌دانیم رکوع انجام دادیم یا نه؟ در تکبیرة الاحرام می‌گوئیم نمی‌دانیم اقامه انجام دادیم یا نه؟ در اقامه می‌گوئیم نمی‌دانیم اذان گفتیم یا نه؟ قاعده تجاوز می‌گوید همه‌ی اینها را انجام دادی. اما الآن این رکعتین اولتین مشروط است از نظر صحّت به اینکه این مفسد نیامده باشد؛ مفسد چیست؟ حدوث شكّ بین دو و سه قبل اكمال السجّدتین است، بیائیم بگوئیم با قاعده‌ی تجاوز بگوئیم قاعده تجاوز می‌گوید این دو رکعتی که خواندی صحیح است و دیگر به این شكّ هم توجهی نکن، محقق زنجانی(ره) می‌فرمایند اینجا مجالی برای این قاعده‌ی تجاوز نیست!

نکته اینکه:

ببینید ما الآن کاری به رکعتان اولتان نداشته باشیم، الآن در رکعت چهارم می‌دانیم این نماز را صحیحاً انجام دادیم یا نه؟ الآن رکعت اول گذشته، رکعت دوم هم گذشته، رکعت سوم هم گذشته و در رکعت چهارم اگر کسی این شكّ را کرد بگوئیم قاعده تجاوز می‌گوید نماز تا حالا صحیح بوده. این برخلاف مفروض کلام ماست. مفروض ما این است که ما یقین داریم يك شكّی بین دو و سه قبل از اینکه الآن به این رکعت رابعه‌ی بنائیه برسیم يك شكّی برایمان حاصل شده و يك تعبیری را مرحوم محقق ایروانی(ره) دارد که این تعبیر را امام(ره) هم دارند، برخی دیگر هم دارند، و آن اینکه در باب شکوک در نماز، معیار، مبدأ شك است، شما الآن اگر شك کنید فرض کنید بعد اكمال السجّدتین است، یقین دارید سجّدتین را انجام دادید و بین دو و سه شك می‌کنید و بنا بر سه می‌گذارید، این شك بین دو و سه ملازم است با اینکه شما بین سه و چهار هم شك داشته باشید، اما دیگر نمی‌آیند بگویند احکام شك سه و چهار جریان دارد، اینجا احکام شك دو و سه است و معیار، مبدأ شك است، نه شکوک که بعد از آن شك حاصل می‌شود.

خلاصه اینکه:

این بیان مرحوم محقق زنجانی(ره) در کتاب رساله علم اجمالی‌شان است. پس يك بار دیگر عرض می‌کنم، چون این مطلبی است که ما با اینکه بحث قاعده فراغ و تجاوز را هم مطرح کردیم آنجا من ندیدم این نکته را کسی متعرض شده باشد و نکته خوبی از جهت کبروی است ولی باید ببینیم که آیا در ما نحن فیه اینجا جاری هست یا نیست؟

اینجا ایشان می‌گویند: این رکعتان اولتان صحّتشان مشروط به يك شرطی است، کدام شرط؟ مشروط به این است که بعداً شك دو و سه، قبل اكمال السجّدتین حادث نشده باشد، کما اینکه در آن مثال اول می‌گوئیم کل نماز مشروط به این است که ریا بعد

العمل عارض نشده باشد، چطور در این مثال حالا اگر کسی شك کرد ریا بعد العمل حاصل شده یا نه؟ نمی‌تواند در اینجا قاعده تجاوز را جاری کند. این فرمایش محقق زنجانی(ره) بود.

مناقشه بر اشکال محقق زنجانی(ره) از منظر مختار

حالا باید ببینیم آیا اینجا مسئله این چنین است یا نه؟ یعنی ما بخواهیم خود قاعده‌ی تجاوز را در اینجا از این جهت بگوئیم جریان ندارد، قاعده‌ی تجاوز این است که: «إِذَا شَكَّكَتَ فِي شَيْءٍ وَ دَخَلَ فِي غَيْرِهِ فَشَكَّكَ لَيْسَ بِشَيْءٍ»، ما از راه مسئله شرط متأخر بخواهیم مسئله را درست کنیم، در پاسخ می‌گوییم کبرای فرمایش مرحوم زنجانی(ره) درست است، ولی در ما نحن فیه اینکه بگوئیم این عنوان شرط متأخر را دارد درست نیست، اینکه بیائیم در اینجا بگوئیم «عدم حدوث شك بين دو و سه قبل اكمال السجدين» شرط است، یعنی این عدم را شرط قرار بدهیم برای صحّت رکعتین اولتین، این حرف درستی نیست.

نهایتش این است که ما بگوئیم: این حدوث مبطل است و اگر آمدم گفتیم حدوث مبطل است، معنایش این نیست که شارع عدم او را شرط قرار داده و این در اصول در جای خودش مطرح شده، اگر ما بیائیم و بگوئیم قهقهه در نماز مبطل است، نمی‌آیند بگویند عدم قهقهه از شرایط صحّت صلاة است، مثل اینکه بگوئیم صوم مستحاضه مشروط به غسل لیلی است، این غسل شرط برای صحّت او است. یا حتّی ما نمی‌خواهیم حالا بگوئیم شروط باید در امور وجودیه باشد، نه؛ گاهی اوقات يك امر عدمی هم شرط واقع می‌شود؛ اما اینکه آیا این شرط است یا نه؟ باید از لسان دلیل استفاده کنیم، دلیل در باب نماز می‌گوید: «عدم لحوق ریا شرط»، اما در ما نحن فیه ما چنین دلیلی نداریم و از ادله این استفاده نمی‌شود، یعنی اگر آمدم گفتیم لحوق و عروض شك بين دو و سه قبل اكمال السجدين مبطل نماز است، به این معنا نیست که عدمش، از شرایط صحّت او باشد، و لو به تحلیل عقلی به او برمی‌گردد، یعنی از نظر تحلیل عقلی اگر يك چیزی وجودش مبطل شد، عدمش شرط می‌شود، اما این عنوان شرط شرعی را پیدا نمی‌کند.

ما اگر بخواهیم بگوئیم این مشروط به این شرط است باید این شرطیّت را از لسان دلیل استفاده کنیم، لذا این مناقشه صغروی وجود دارد؛ ولی اصل کبرا و مطلبی که ایشان فرمودند مطلب درستی است. پس این بیان هم با اینکه عرض کردم این بیان از آن دو اشکالی که قبلاً شده دقیق‌تر و محکم‌تر بود ولی این هم مواجهه با این اشکال است.

اشکال چهارم بر نظر قائلین به جریان قاعده تجاوز از منظر مختار به سه بیان

اشکال عمده به نظر ما این است که خود لسان روایات قاعده‌ی تجاوز، اینجا تطبیق پیدا نمی‌کند، یعنی «إِذَا شَكَّكَتَ فِي شَيْءٍ وَ دَخَلَ فِي غَيْرِهِ فَشَكَّكَ لَيْسَ بِشَيْءٍ»، به سه بیان در این باره توجه فرمائید:

«بیان اول»: قبلاً بین دو و سه شك کردم، اما بعد اكمال السجدين بوده یا نه؟ من نمی‌دانم؛ این معنایش این است که نمی‌دانم دخول در غیر حاصل شده یا نشده؟ این خیلی بیان روشنی است برای عدم جریان قاعده‌ی تجاوز، شما ببینید در باب رکوع، «هویّ به سجده» را مشهور می‌گویند این دخول در غیر نیست! بعضی می‌گویند «هویّ به سجده»، یعنی در حال فرود آمدن به سجده است و اگر شك کرد رکوع انجام داده یا نه؟ این محل خلاف است که آیا این دخول در غیر حاصل شده یا نه؟ قاعده‌ی تجاوز می‌گوید: «إِذَا شَكَّكَتَ فِي شَيْءٍ وَ دَخَلَ فِي غَيْرِهِ فَشَكَّكَ لَيْسَ بِشَيْءٍ»، اگر سجدين تمام شده باشد و شك کند بین دو و سه، اینجا طبق قاعده تجاوز محلّش گذشته. اما الآن فرض ما این است که این شخص نمی‌داند اكمال سجدين شده یا نه؟ یعنی همین مقدار که نمی‌داند اكمال سجدين شده به این معناست که نمی‌داند آیا تجاوز از محل شده یا نه؟

«بیان دوم»: من يك بیان دیگری برای عرض خودمان عرض کنم؛ شما يك قاعده دارید به نام قاعده تجاوز، از آن طرف هم می‌گوئید شك دو و سه قبل اكمال السجدين مبطل است، اینجا چه نسبتی با هم دارند؟ شك بین دو و سه، قبل اكمال السجدين مبطل است، من می‌خواهم عرض کنم این، حکم مخصّص قاعده تجاوز را دارد، یا بیائیم بگوئیم مخصّص را دارد، مخصّص اگر بخواهیم بگوئیم یعنی بگوئیم ولو محلّش گذشته این می‌گوید مبطل است.

«بیان سوم»: یا اینکه بگوئیم این تخصصاً هم از بحث خارج است که اینکه می‌گوئیم اینجا هنوز محلّش نگذشته یعنی يك احتمال این است که واقعاً محلّش نگذشته باشد، تخصصاً خارج است، الآن قاعده‌ی تجاوز می‌گوید: «إذا شككت في شيء و دخلت في غيره فشكك ليس بشيء»، حالا الآن یقین دارید قبل اكمال السجدين شكتان حاصل شده، اینجا می‌گوئید این ربطی به قاعده تجاوز ندارد و تخصصاً خارج است، این از شكوك باطله است، قاعده تجاوز شك را می‌گوید توجه نکن و نمازت صحیح است، قاعده تجاوز در مقام تصحیح نماز است، کما اینکه قاعده فراغ هم همین‌طور است، اما شك بین دو و سه قبل اكمال السجدين در مقام بیان ابطال نماز است، پس یا باید بگوئیم اصلاً ربطی به هم ندارد یا تخصصاً خارج است.

خلاصه اینکه:

قاعده تجاوز در آن نمازی جاری است که ما یقین داشته باشیم مبطل نیامده باشد، شما الآن اگر در رکوع یقین دارید که در قرائت عمداً يك كلام زائدي گفتید، بعد می‌آئیم می‌گوئیم حالا رکوع است و قاعده‌ی تجاوز بگوید نمازتان درست است! نه نمی‌شود این قاعده را جاری نمود. در اینجا هم شما شكتان دو طرف دارد، یکیش این است که اگر قبل از اكمال سجدين باشد نماز یقیناً باطل است، من می‌خواهم عرض کنم اینجا می‌گوئیم که شما يك شكی دارید که يك طرفش یقیناً موجب بطلان نماز است، قاعده تجاوز نمی‌تواند این را درست کند، یعنی بر حسب واقع ممکن است قبلاً مبطل آمده باشد، در اینجا هم اگر طوری تصویر کنید که در حین سجده در حال آوردن مبطل هستید باز قاعده‌ی تجاوز جاری نمی‌شود.

علي ايّ حال ما كلام مرحوم محقق زنجاني(ره) را کبرویاً قبول کردیم و گفتیم اینجا بحث شرط متأخر نیست، این مناقشه تمام شد.

حالا می‌گوئیم خود ما بیائیم نسبت سنجی کنیم بین این دو مطلب، يك قاعده‌ی تجاوز داریم و یکی اینکه شك بین دو و سه قبل اكمال السجدين مبطل است، می‌گوئیم این دو تا چه نسبتی با هم دارد؟ چند راه داریم؟

اولاً: یکی این است که بگوئیم این مخصّص قاعده تجاوز است وقتی مخصّص قاعده تجاوز شد، یعنی بیائید بگوئید قاعده‌ی تجاوز می‌گوید: «إذا شككت في شيء و دخلت في غيره» این را هم شامل می‌شود ولی این می‌گوید در این مورد باطل است. وقتی این مخصّص او شد الآن اگر بخواهیم به قاعده‌ی تجاوز در این مورد تمسّك کنیم می‌شود تمسك به عام در شبهه مصداقيه، این يك.

ثانیاً: یا بگوئیم عنوان مخصّص را ندارد بلکه این در مقام است که اصلاً این مطلب دوم ظاهرش هم همین است، مطلب اول به عنوان يك احتمال عرض کردیم، می‌گوییم این در مقام ابطال نماز است، او در مقام تصحیح نماز است و اصلاً ربطی به هم ندارد، یعنی این مورد تخصصاً از قاعده تجاوز خارج است، نتیجه این است که الآن این دو قاعده با هم تعارض کنند، این می‌گوید اگر واقعاً بین دو و سه قبل از اكمال سجدين بوده نماز باطل است، او می‌گوید: اگر بعد اكمال السجدين بوده نماز صحیح است، تعارض می‌کنند و به هیچ کدام نمی‌شود تمسّك کرد. و عنوان ساده‌اش که عرض کردیم همین است که می‌گوئیم اصلاً تعبیر «إذا شككت في شيء و دخلت في غيره» این صدقش در اینجا مشکوک است، لذا مجالی برای جریان قاعده‌ی تجاوز نیست! این راه‌های بود برای اینکه ما بگوئیم در اینجا قاعده تجاوز جریان ندارد،

ثالثاً: حالا نهایتش این است که می‌گوئیم در جریان این قاعده ما شك داریم، و برای ما روشن نیست، چون بالأخره انسان دلیلی را بخواهد در يك جا جاری کند باید در تدبیرش هم احراز کند یعنی تطبیق آن کبری بر صغری را، و لذا احرازش در اینجا مشکل است، پس قاعده تجاوز کنار می‌رود.

بررسی مطلب سوم: آیا اصالة الصحة در مقام جاری است؟

ما عرض کردیم در این مسئله بحث اصول عملیه را گذرانیدیم، استصحاب را هم گذرانیدیم، قاعده تجاوز را هم گفتیم، بعضی‌ها

گفتند اصالة الصحة را اینجا جاری کنیم.

مناقشه بر جریان اصالة الصحة در مقام از منظر مختار

این اصالة الصحة مشککش این است که اصالة الصحة اثبات نمی‌کند که این شک در رکعتین اخیرتین بوده و ما نیاز به این داریم.

بررسی مطلب چهارم؛ جریان اصالة عدم عروض المبطل در مقام

فقط يك اصل باقي مي‌ماند به نام اصالة عدم عروض المبطل، که مرحوم آقاي خوئي (ره) به آن تمسك فرمودند که وقتی كلام ايشان را در اين بحث بعدي مي‌خواهيم مطرح كنيم اين را نقل مي‌كنيم، ايشان مي‌گويد ما دو ركعت آورديم، نمي‌دانيم مبطل آمد يا نه؟ اصل عدمش است، اصالة عدم عروض المبطل.

مناقشه بر جریان اصالة عدم عروض المبطل از منظر مختار

این می‌گوید مبطل نیامد ولي اثبات نمی‌کند این شک در رکعتین اخیرتین است و اگر يك فقیه‌ي آمد گفت شرط صحّت نماز حدوث شك در ركعتين اخیرتین است، این اصالة عدم عروض المبطل این مطلب را اثبات نمی‌کند.

بررسی مقام دوم در احتمال اول (عمومات وارده در مقام)

حالا همه اینها را باید کنار بگذاریم؛ راه اساسي این است که ما در ما نحن فيه دو دسته روایات داریم:

«دسته اول»: روایتی که امام صادق (ع) به عمار ساباطی فرمودند: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَمَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ لَهُ إِمَامٌ فَرَمُودُنْدُ: يَا عَمَارُ أَجْمَعُ لَكَ السَّهْوُ كُلُّهُ فِي كَلِمَتَيْنِ»، تمام شکایات نماز را در دو کلمه خلاصه می‌کنم:

«کلمه اول»: «مَتَى مَا شَكَّكَتَ فَخُذْ بِالْأَكْثَرِ»، یکی این‌که هر جا شک کردی بنا بر اکثر بگذار.

«کلمه دوم»: «فَإِذَا سَلَّمْتَ فَأَتَمَّ مَا ظَنَنْتَ أَنَّكَ نَقَصْتَ» وقتی سلام دادی آن مقداری که گمان به کمبودش هست احتیاطاً بیاور، اگر احتمال می‌دهی دو رکعت کم آوردی دو تا بیاور.

این يك روایات است که در کتاب «وسائل الشیعة»، جلد هشتم ص 212 کتاب الصلاة «أَبْوَابُ الْخَلَلِ الْوَاقِعِ فِي الصَّلَاةِ» باب هشتم «بَابُ وَجُوبِ الْبِنَاءِ عَلَى الْأَكْثَرِ عِنْدَ الشَّكِّ فِي عَدَدِ الْأَخِيرَتَيْنِ وَ إِتِمَامِ مَا ظَنَّ نَقْصَهُ بَعْدَ التَّسْلِيمِ وَ عَدَمِ وَجُوبِ الْإِعَادَةِ بَعْدَ الْإِحْتِيَاظِ وَ لَوْ تَيَقَّنَ النِّقْصُ» حدیث اول آمده است.

«دسته دوم»: يك روایات دیگر هم داریم که مثل صحیح‌ه یا حسن‌ه بن علی الوشاء، «و عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ» بعضی‌ها خواستند توثیق حسن بن علی الوشاء را درست کنند؛ لذا می‌گویند روایتش صحیح‌ه است یا موثق‌ه، در این روایت حسن بن علی الوشاء می‌گوید امام رضا (ع) فرمود: «قَالَ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا (ع) الْإِعَادَةُ فِي الرُّكْعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ وَ السَّهْوُ فِي الرُّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ» که در کتاب «وسائل الشیعة»، جلد هشتم، ص 190 «أَبْوَابُ الْخَلَلِ الْوَاقِعِ فِي الصَّلَاةِ» باب اول «بَابُ بَطْلَانِ الصَّلَاةِ بِالشَّكِّ فِي عَدَدِ الْأُولَتَيْنِ مِنَ الْفَرِيضَةِ دُونَ الْأَخِيرَتَيْنِ وَ دُونَ النَّافِلَةِ» حدیث دهم آمده است.

جلسه آتی: انضمام این دو دسته روایت، چه نتیجه‌ای در بر دارد؟

حالا این دو دسته روایات را ببینید. به هر حال در اینجا بحث این است که این دو روایت چه نتیجه‌ای را به فقیه می‌دهد؟ از

انضمام این دو روایت چه نتیجه‌ای گرفته می‌شود؟ چه اینکه مرحوم آقای خوئی(ره) از انضمام این دو روایت يك نتیجه‌ای را گرفتند؛ مرحوم امام خمینی(ره) از انضمام این دو دسته روایت يك نتیجه دیگری را گرفتند. نتیجه‌ای که از این دو دسته روایت می‌گیریم تکلیف این مسئله را روشن می‌کند.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَالسَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ